



عنوان: پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سبک‌های دلبستگی و هوش معنوی در زوجین شهر جهرم

فاطمه سادات رضوی زادگان جهرمی^{۱*}، دکتر زهرا شیرزادی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی روانشناسی دانشگاه دولتی جهرم

fsdrz2024@gmail.com

۲. استاد دانشگاه دولتی جهرم، و استاد دانشگاه پیام نور فسا، مدیر مرکز مشاوره خانواده و ازدواج دکتر زهرا شیرزادی

چکیده

زمینه و هدف: طلاق عاطفی به عنوان یکی از آسیب‌های پنهان اما فراگیر در نظام خانواده، با سردی و پوچی روابط زناشویی همراه است و پیامدهای منفی بر سلامت روانی زوجین و فرزندان دارد. پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سبک‌های دلبستگی (ایمن، اضطرابی و اجتنابی) و هوش معنوی در زوجین شهر جهرم انجام شد. روش کار: این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه افراد متأهل شهر جهرم در سال ۱۴۰۴ بود که از میان آن‌ها ۲۰۰ نفر (۱۰۰ زن و ۱۰۰ مرد) با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و با در نظر گرفتن معیارهای ورود (حداقل ۲ سال از ازدواج، دامنه سنی ۲۵ تا ۵۵ سال، حداقل تحصیلات دیپلم) انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مقیاس طلاق عاطفی گاتمن (Gottman, 1994)، پرسشنامه تجدیدنظر شده تجارب در روابط نزدیک (Fraley, Waller, & Brennan, 2000) و مقیاس هوش معنوی کینگ (King, 2008) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان و با نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ تحلیل شدند. سطح معناداری ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

با $(p > 0/49, r = 0/001)$ و سبک دلبستگی اجتنابی $(p > 0/53, r = 0/001)$ یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین سبک دلبستگی اضطرابی $(r = 0/46, p > 0/001)$ و هوش معنوی $(p > 0/41, r = 0/001)$ طلاق عاطفی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین بین سبک دلبستگی ایمن با طلاق عاطفی رابطه منفی و معنادار مشاهده شد. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که متغیرهای پیش‌بین در مجموع $(p > 0/001)$ بر اساس ضرایب بتا، به ترتیب دلبستگی اضطرابی $(p > 0/43, R^2 = 0/438)$ درصد از واریانس طلاق عاطفی را تبیین می‌کنند. بیشترین $(\beta = 0/25)$ و دلبستگی ایمن $(\beta = 0/31)$ ، هوش معنوی $(\beta = 0/37)$ ، دلبستگی اجتنابی $(\beta =$

سهم را در پیش‌بینی طلاق عاطفی داشتند.

نتیجه‌گیری: سبک‌های دلبستگی نایمن (اضطرابی و اجتنابی) به عنوان عوامل خطر و هوش معنوی پایین به عنوان یک عامل آسیب‌پذیری در بروز طلاق عاطفی نقش دارند. این نتایج بر ضرورت توجه به این سازه‌ها در طراحی مداخلات پیشگیرانه و درمانی برای زوجین تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی: طلاق عاطفی، سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی اضطرابی، سبک دلبستگی اجتنابی، هوش معنوی، زوجین

**مقدمه**

خانواده به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، نقش اساسی در شکل‌گیری شخصیت افراد و تأمین سلامت روانی جامعه ایفا می‌کند (ازازی، ۱۳۸۷). ازدواج موفق و پایدار، به عنوان سنگ بنای تشکیل خانواده، نیازمند وجود ارتباط عاطفی عمیق، صمیمیت و تعاملات مثبت بین زوجین است (آزادی، سهامی، قهرمانی، و قلی‌پور، ۱۳۸۹). با این حال، در دهه‌های اخیر، جوامع گوناگون از جمله ایران با افزایش چشمگیر تعارضات زناشویی و به تبع آن، افزایش نرخ طلاق رسمی مواجه بوده‌اند. بر اساس آخرین آمار سازمان ثبت احوال کشور (۱۴۰۳)، نرخ طلاق در سال‌های اخیر روندی صعودی داشته است. در این میان، پدیده‌ای به مراتب پیچیده‌تر و پنهان‌تر از طلاق رسمی، تحت عنوان "طلاق عاطفی" وجود دارد که در آمارهای رسمی منعکس نمی‌شود اما آسیب‌های آن دست‌کم از طلاق رسمی کمتر نیست (باستانی، گلزاری، و روشنی، ۱۳۹۰).

طلاق عاطفی وضعیتی است که در آن زن و شوهر علی‌رغم ادامه زندگی مشترک در زیر یک سقف، از نظر عاطفی از یکدیگر فاصله گرفته‌اند و رابطه‌ای سرد، پوچ، فاقد صمیمیت، عشق و محبت را تجربه می‌کنند (لعل‌زاده کندکلی، اصغری ابراهیم‌آباد، و حصارسرخ، ۱۳۹۴؛ پرون، داودی، و محمدی، ۱۳۹۱). در این شرایط، نیازهای عاطفی زوجین یا از بیرون از خانواده تأمین می‌شود و یا اساساً به دلیل ناامیدی از ارضای آن‌ها چشم‌پوشی می‌گردد (رزاقی و اسلامی، ۱۳۹۴). پیامدهای طلاق عاطفی فراتر از زوجین، تمام اعضای خانواده به ویژه فرزندان را در بر می‌گیرد و می‌تواند منجر به بروز مشکلات روانی-رفتاری در فرزندان، کاهش عملکرد تحصیلی، و تداوم چرخه ناکارآمدی در نسل بعد شود (حکمت‌پور، فدایی، و صالحی امیری، ۱۳۹۳؛ یزدانی، حقیقتیان، و کشاورز، ۱۳۹۲). از این رو، شناسایی عوامل روان‌شناختی مؤثر بر طلاق عاطفی برای طراحی برنامه‌های پیشگیرانه و مداخلات درمانی اثربخش، از اولویت‌های پژوهشی در حوزه خانواده به شمار می‌آید.

در همین راستا، پژوهش حاضر به بررسی دو دسته از این عوامل، یعنی سبک‌های دلبستگی (به عنوان یک عامل بین‌فردی ریشه‌ای) و هوش معنوی (به عنوان یک منبع درون‌فردی) می‌پردازد.

سبک‌های دلبستگی و طلاق عاطفی

نظریه دلبستگی که توسط جان بالبی (Bowlby, 1969) پایه‌گذاری شد، یکی از جامع‌ترین چارچوب‌های نظری برای تبیین تفاوت‌های فردی در کیفیت روابط عاطفی در طول زندگی است. بر اساس این نظریه، کیفیت تعامل کودک با مراقب اصلی در سال‌های اولیه زندگی، منجر به شکل‌گیری "الگوهای فعال درونی" می‌شود. این الگوها، مجموعه‌ای از باورها و انتظارات درباره خود و دیگران هستند و به عنوان یک نقشه شناختی-هیجانی برای درک، تفسیر و پیش‌بینی روابط آینده عمل می‌کنند (بالبی، ۱۳۸۹؛ کرمی بلداجی، فلاح چای، زارعی، و ثابت‌زاده، ۱۳۹۴). این الگوها در بزرگسالی، به ویژه در روابط صمیمانه مانند ازدواج، فعال شده و جهت‌گیری کلی فرد را در این روابط تعیین می‌کنند.



بارتولومئو و هاروویتز (Bartholomew & Horowitz, 1991) با تلفیق مدل‌های خود و دیگران، چهار سبک دلبستگی بزرگسالی شامل ایمن، مشغول، اجتنابی-دوراندیش و اجتنابی-هراسان را معرفی کردند. در پژوهش حاضر، بر اساس مدل دو بعدی اضطراب و اجتناب که توسط فریلی، والر و برنان (Fraley, Waller, & Brennan, 2000) توسعه یافته است، سه سبک دلبستگی ایمن (اضطراب پایین و اجتناب پایین)، اضطرابی (اضطراب بالا و اجتناب پایین) و اجتنابی (اضطراب پایین و اجتناب بالا) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بر اساس این مدل، افراد با سبک دلبستگی ایمن در هر دو بعد اضطراب و اجتناب نمرات پایینی دارند؛ آن‌ها از خود و دیگران تصویر مثبتی دارند، در برقراری صمیمیت و اعتماد موفق‌ترند و در مواجهه با تنش‌ها، از راهبردهای مقابله‌ای سازگارانه استفاده می‌کنند. در مقابل، افراد با سبک دلبستگی اضطرابی (اضطراب بالا) همواره نگران طرد شدن و از دست دادن همسر هستند. این نگرانی منجر به بروز رفتارهای جلب توجه‌کننده، کنترل‌گری و واکنش‌های هیجانی شدید می‌شود که در درازمدت باعث خستگی و دلزدگی همسر و ایجاد فاصله عاطفی می‌گردد. (Sibley & Overall, 2008) افراد با سبک دلبستگی اجتنابی (اجتناب بالا) نیز به دلیل داشتن مدل فعال منفی از دیگران، بی‌اعتماد و از صمیمیت‌گریزانند و تمایل دارند استقلال خود را حفظ کنند (Sibley & Overall, 2008).

پژوهش‌های متعدد داخلی و خارجی نیز رابطه معنادار بین سبک‌های دلبستگی ناایمن و مشکلات زناشویی را تأیید کرده‌اند. کرمی بلداجی و همکاران (۱۳۹۴) نشان دادند که اضطراب دلبستگی، سبک‌های حل تعارض ناکارآمد را پیش‌بینی می‌کند. اجتمائی سنگاری و سلیمیان ریزی (۱۳۹۳) دریافتند که سبک‌های دلبستگی ناایمن با طلاق عاطفی رابطه مثبت دارند. علوی لواسانی و احمدی طهور سلطانی (۱۳۹۶) نیز نقش واسطه‌ای سبک‌های دلبستگی را در رابطه بین بدرفتاری در کودکی و طلاق عاطفی تأیید کردند. در سطح بین‌المللی، پژوهش‌های میکالینسر، دولو و شاور (Mikulincer, Dolev, & Shaver, 2004) و کن، نورمن، ولبورن و کالهن (Cann, Norman, Welbourne, & Calhoun, 2008) نشان داده‌اند که افراد با دلبستگی ناایمن، کیفیت زناشویی پایین‌تر و تعارضات بیشتری را تجربه می‌کنند.

هوش معنوی و طلاق عاطفی

هوش معنوی به عنوان یکی از قابلیت‌های ذهنی انسان، در دو دهه اخیر توجه روزافزونی را در روانشناسی به خود جلب کرده است. کینگ (King, 2008) هوش معنوی را مجموعه‌ای از توانایی‌های ذهنی تعریف می‌کند که بر اساس جنبه‌های غیرمادی و متعالی وجود انسان، به سازگاری و حل مسئله کمک می‌کنند. مدل چهار مؤلفه‌ای کینگ شامل: ۱) تفکر انتقادی وجودی، ۲) تولید معنی شخصی، ۳) آگاهی متعالی و ۴) توسعه حالت هوشیاری می‌باشد.

(King, 2008؛ رضایی، سلیمانی، و حسینیان، ۱۳۹۲).



هوش معنوی بالا می‌تواند به عنوان یک منبع درون‌فردی قدرتمند در برابر آسیب‌های زناشویی عمل کند. افراد با هوش معنوی بالا، توانایی بیشتری در معنا بخشیدن به رنج‌ها، چالش‌ها و تعارضات زندگی زناشویی دارند. آن‌ها با استفاده از تفکر انتقادی وجودی، مسائل را در بستری وسیع‌تر از زندگی می‌بینند و دچار روزمرگی و سطحی‌نگری نمی‌شوند. آگاهی متعالی با کاهش خودمحوری و افزایش همدلی، فداکاری و گذشت همراه است که کیفیت تعاملات زناشویی را ارتقا می‌بخشد (Rossen & Kranzler, 2009). همچنین، هوش معنوی با فراهم کردن چارچوبی برای معنا بخشیدن به زندگی، از بروز احساس پوچی و بی‌ارزشی که از عوامل زمینه‌ساز طلاق عاطفی هستند، جلوگیری می‌کند (Fincham, Ajayi, & Beach, 2011).

تحقیقات پیشین نیز نقش مثبت هوش معنوی را در بهبود کیفیت روابط زناشویی نشان داده‌اند. کریمی‌پورزارع، جوکار کمال‌آبادی و حسینی (۱۳۹۶) دریافتند که سلامت معنوی قادر به پیش‌بینی منفی طلاق عاطفی است. نریمانی، موسوی مقدم، اسماعیل‌چنگی و اشرفی حافظ (۱۳۹۴) نشان دادند که افراد با سلامت معنوی بالاتر، رضایت زناشویی بیشتری دارند. صدیقی، صفریگی، محبی و شاه‌سیاه (۱۳۹۳) نیز به رابطه مثبت جهت‌گیری مذهبی با سازگاری زناشویی اشاره کردند.

نوآوری و ضرورت پژوهش

با وجود پیشینه پژوهشی قابل توجه، پژوهشی که به طور همزمان به بررسی نقش سبک‌های دلبستگی (ایمن، اضطرابی و اجتنابی) و هوش معنوی در پیش‌بینی طلاق عاطفی در نمونه‌ای از زوجین شهر جهرم پرداخته باشد، تا حد زیادی مغفول مانده است. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف پر کردن این خلأ پژوهشی و پاسخ به سؤالات زیر طراحی شد:

۱. آیا بین سبک‌های دلبستگی (ایمن، اضطرابی و اجتنابی) با طلاق عاطفی در زوجین رابطه وجود دارد؟

۲. آیا بین هوش معنوی با طلاق عاطفی در زوجین رابطه وجود دارد؟

۳. آیا سبک‌های دلبستگی و هوش معنوی قادر به پیش‌بینی طلاق عاطفی هستند و سهم نسبی هر یک از این متغیرها چگونه است؟

روش پژوهش

طرح پژوهش: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی از نوع همبستگی بود.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه افراد متأهل شهر جهرم در سال ۱۴۰۴ بود. برای تعیین حجم نمونه، با توجه به تعداد متغیرهای پیش‌بین (۴ متغیر: سبک دلبستگی ایمن، اضطرابی، اجتنابی و هوش معنوی)، سطح معناداری ۰/۰۵، توان آماری ۰/۸۰ و اندازه اثر متوسط، حجم نمونه ۲۰۰ نفر (۱۰۰ زن و ۱۰۰ مرد) با استفاده از نرم‌افزار G*Power برآورد شد. نمونه‌گیری به روش در دسترس و با رعایت معیارهای ورود انجام شد. معیارهای ورود به پژوهش شامل: (۱) حداقل ۲ سال از ازدواج گذشته باشد، (۲) دامنه سنی ۲۵ تا ۵۵ سال، (۳) حداقل تحصیلات دیپلم، (۴) عدم سابقه طلاق رسمی و (۵) تمایل به شرکت



در پژوهش بود. برای دسترسی به نمونه، پرسشنامه‌ها به دو صورت حضوری (در مراکز فرهنگی، پارک‌ها و مجتمع‌های تجاری شهرچهرم) و مجازی (از طریق شبکه‌های اجتماعی و گروه‌های مرتبط با خانواده) توزیع شد.

ابزارهای پژوهش:

۱. مقیاس طلاق عاطفی گاتمن (EDS) (Gottman, 1994) ساخته شده و شامل ۲۹ گویه دوگزینه‌ای (بلی = ۱، خیر = ۰) است. گویه‌ها به بررسی ابعاد مختلف طلاق عاطفی مانند فقدان صمیمیت، کاهش ارتباطات عاطفی، افزایش احساس تنهایی و انزوا در رابطه زناشویی می‌پردازند. نمره کل از جمع نمرات گویه‌ها به دست می‌آید و دامنه آن بین ۰ تا ۲۹ است. نمرات بالاتر از ۸ نشان‌دهنده وجود طلاق عاطفی در رابطه زناشویی است (پورحسین و بیدست، ۱۳۹۳). پایایی این مقیاس در پژوهش پورحسین و بیدست (۱۳۹۳) با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۹ گزارش شده است. موسوی و رحیمی‌نژاد (۱۳۹۵) نیز روایی سازه این مقیاس را با تحلیل عاملی تأییدی مورد تأیید قرار دادند. در پژوهش حاضر، پایایی به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۷ به دست آمد.

۲. پرسشنامه تجدیدنظر شده تجارب در روابط نزدیک (ECR-R) (Fraley, Waller, & Brennan, 2000) بر اساس پرسشنامه اصلی برنان، کلارک و شاور (Brennan, Clark, & Shaver, 1998) ساخته شده است. ECR-R دارای ۳۶ گویه است که دو بعد اضطراب دلبستگی (۱۸ گویه) و اجتناب دلبستگی (۱۸ گویه) را اندازه‌گیری می‌کند.

برای بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

۱. طلاق عاطفی

۲. دلبستگی ایمن ۰/۴۱ - ۱

۳. دلبستگی اضطرابی ۰/۵۳ - ۰/۳۶ ۱

۴. دلبستگی اجتنابی ۰/۴۹ - ۰/۴۶ ۰/۳۸ ۱

۵. هوش معنوی ۰/۴۶ - ۰/۴۲ ۰/۳۲ - ۰/۳۶ ۱

**** $P < 0.01$ **

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که:



یعنی هر چه دلبستگی ایمن $(p < .01, r = .41)$ بین دلبستگی ایمن با طلاق عاطفی رابطه منفی و معنادار وجود دارد بالاتر باشد، طلاق عاطفی کمتر است.

یعنی هر چه دلبستگی $(p < .01, r = .53)$ بین دلبستگی اضطرابی با طلاق عاطفی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد اضطرابی بالاتر باشد، طلاق عاطفی بیشتر است.

یعنی هر چه دلبستگی اجتنابی $(p < .01, r = .49)$ بین دلبستگی اجتنابی با طلاق عاطفی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد بالاتر باشد، طلاق عاطفی بیشتر است.

یعنی هر چه هوش معنوی بالاتر $(p < .01, r = -.46)$ بین هوش معنوی با طلاق عاطفی رابطه منفی و معنادار وجود دارد باشد، طلاق عاطفی کمتر است.

۲. تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی طلاق عاطفی

برای پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سبک‌های دلبستگی و هوش معنوی، از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان استفاده شد. قبل از انجام رگرسیون، مفروضه‌های آن بررسی و تأیید شد. شاخص تورم واریانس (VIF) برای همه متغیرها کمتر از ۲ (بین ۱/۱۲ تا ۱/۲۵) و تحمل (Tolerance) بیشتر از ۰/۵ (بین ۰/۸۰ تا ۰/۸۹) بود که نشان‌دهنده عدم همخطی چندگانه است. آزمون دوربین-واتسون نیز با مقدار ۱/۹۲، استقلال خطاها را تأیید کرد.

نتایج تحلیل رگرسیون در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی طلاق عاطفی

متغیر پیش‌بین $B \beta t$ سطح معناداری

مقدار ثابت ۳۴/۸۷ - ۵/۲۳ - ۰/۰۱

دلبستگی ایمن ۱/۹۶ - ۰/۲۵ - ۲/۸۸ - ۰/۰۵

دلبستگی اضطرابی ۲/۵۶ ۰/۴۳ ۵/۲۲ - ۰/۰۱

دلبستگی اجتنابی ۲/۳۴ ۰/۳۷ ۴/۱۲ - ۰/۰۱

هوش معنوی ۰/۲۱ - ۰/۳۱ - ۳/۲۳ - ۰/۰۲

$R^2 = 0.438, F(4, 195) = 37.88, p < 0.001$



نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که مدل رگرسیون معنادار است ($p < 0.001$ ، $F(4, 195) = 37.88$) (متغیرهای پیش‌بین (سبک‌های دلبستگی و هوش معنوی) در مجموع قادر به پیش‌بینی ۴۳/۸ درصد از واریانس طلاق عاطفی هستند) ($R^2 = 0.438$) بر اساس ضرایب بتای استاندارد شده، به ترتیب دلبستگی اضطرابی ($\beta = 0.43$)، دلبستگی اجتنابی ($\beta = 0.37$)، هوش معنوی ($\beta = 0.31$) و دلبستگی ایمن ($\beta = 0.25$) -بیشترین سهم را در پیش‌بینی طلاق عاطفی دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سبک‌های دلبستگی و هوش معنوی در زوجین شهر چهارم انجام شد. یافته‌ها نشان داد که هر دو دسته از متغیرهای بین‌فردی و درون‌فردی نقش معناداری در تبیین طلاق عاطفی دارند و در مجموع ۴۳/۸ درصد از واریانس آن را تبیین می‌کنند. این یافته اهمیت توجه همزمان به این سازه‌ها را در تبیین طلاق عاطفی برجسته می‌سازد.

رابطه سبک‌های دلبستگی با طلاق عاطفی

یافته‌های پژوهش نشان داد که سبک‌های دلبستگی ناایمن (اضطرابی و اجتنابی) با طلاق عاطفی رابطه مثبت و معنادار دارند. این یافته با نتایج پژوهش‌های پیشین از جمله کرمی بلداجی و همکاران (۱۳۹۴)، اجتماعی سنگاری و سلیمیان ریزی (۱۳۹۳)، علوی لواسانی و احمدی طهور سلطانی (۱۳۹۶)، کن و همکاران (Cann et al., 2008) و میکالینسر و همکاران (Mikulincer et al., 2004) همسو است.

برای تبیین این یافته می‌توان به نظریه دلبستگی بالبی (Bowlby, 1969) و مفهوم "الگوهای فعال درونی" اشاره کرد. بر اساس این نظریه، کودک در تعامل با مراقب اصلی خود، انتظارات و باورهایی درباره خود و دیگران شکل می‌دهد که در طول زندگی نسبتاً پایدار می‌ماند و بر روابط بین‌فردی او تأثیر می‌گذارد. (Bartholomew & Horowitz, 1991) افرادی که در کودکی دلبستگی ناایمن (اضطرابی یا اجتنابی) را تجربه کرده‌اند، الگوهای فعال درونی منفی‌ای درباره خود یا دیگران شکل می‌دهند که در بزرگسالی نیز در روابط زناشویی آن‌ها منعکس می‌شود.

سبک دلبستگی اضطرابی با مدل فعال منفی از خود و مدل فعال مثبت از دیگران همراه است. این افراد خود را ارزشمند و دوست‌داشتنی نمی‌بینند و همواره از طرد شدن توسط همسر خود نگران هستند. این نگرانی مداوم باعث می‌شود برای جلب توجه و محبت همسر، رفتارهای افراطی و گاه آزارنده از خود نشان دهند، مانند چسبیدن بیش از حد، کنترل‌گری، حسادت بیمارگونه و واکنش‌های هیجانی شدید. این رفتارها به مرور زمان باعث خستگی عاطفی همسر و ایجاد فاصله در رابطه می‌شود که زمینه‌ساز طلاق عاطفی است. (Sibley & Overall, 2008) در مقابل، سبک دلبستگی اجتنابی با مدل فعال مثبت از خود و مدل فعال منفی از دیگران همراه است.



گویه‌ها بر اساس مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۷ (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شوند. نمره بالاتر در هر بعد، نشان‌دهنده میزان بیشتر آن بعد از دل‌بستگی ناایمن است. برای محاسبه سبک دل‌بستگی ایمن، از ترکیب نمرات پایین در هر دو بعد اضطراب و اجتناب استفاده شد (بر اساس الگوی بارتولومئو و هاروویتز، ۱۹۹۱). فریلی و همکاران (۲۰۰۰) پایایی این پرسشنامه را با روش بازآزمایی برای اضطراب ۰/۹۴ و برای اجتناب ۰/۹۵ گزارش کردند. در ایران، نیلفروشان، احمدی، فتحی‌زاده، عابدی و قاسمی (۱۳۸۹) پایایی این پرسشنامه را با آلفای کرونباخ برای اضطراب ۰/۸۸ و برای اجتناب ۰/۸۹ به دست آوردند. شکرکن، خجسته‌مهر، عطاری، حقیقی و شهنی ییلاق (۱۳۸۵) نیز روایی این پرسشنامه را تأیید کردند. در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ برای اضطراب ۰/۸۹ و برای اجتناب ۰/۸۸ محاسبه شد.

۳. مقیاس هوش معنوی کینگ: (SISRI-24) این مقیاس توسط کینگ (King, 2008) ساخته شده و شامل ۲۴ گویه است که چهار مؤلفه هوش معنوی را اندازه‌گیری می‌کند: تفکر انتقادی وجودی (۷ گویه)، تولید معنی شخصی (۵ گویه)، آگاهی متعالی (۷ گویه) و توسعه حالت هوشیاری (۵ گویه). گویه‌ها بر اساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از ۰ (کاملاً نادرست) تا ۴ (کاملاً درست) نمره‌گذاری می‌شوند. نمره کل هوش معنوی از جمع نمرات همه گویه‌ها به دست می‌آید و دامنه آن بین ۰ تا ۹۶ است. کینگ (۲۰۰۸) پایایی این مقیاس را با آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۲ و برای مؤلفه‌ها بین ۰/۷۸ تا ۰/۸۷ گزارش کرد. در ایران، رضایی، سلیمانی و حسینیان (۱۳۹۲) پایایی این مقیاس را با آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به دست آوردند. در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۱ محاسبه شد.

روش اجرا: پس از تأیید طرح پژوهش، پرسشنامه‌ها در یک بسته ترکیبی شامل صفحه اول (توضیحات و رضایت‌نامه آگاهانه)، پرسشنامه اطلاعات جمعیت‌شناختی (سن، جنسیت، تحصیلات، مدت ازدواج، تعداد فرزندان) و سه پرسشنامه اصلی تنظیم شد. پرسشنامه‌ها به دو صورت حضوری و مجازی توزیع گردید. در روش حضوری، پژوهشگر با مراجعه به مراکز فرهنگی، پارک‌ها و مجتمع‌های تجاری مناطق مختلف شهر جهرم، پس از توضیح هدف پژوهش و احراز شرایط ورود، پرسشنامه‌ها را در اختیار افراد واجد شرایط قرار داد. در روش مجازی، لینک پرسشنامه آنلاین (طراحی شده با Google Forms) در گروه‌های تلگرامی و اینستاگرامی مرتبط با خانواده و همچنین شبکه‌های اجتماعی پژوهشگر منتشر شد. جمع‌آوری داده‌ها حدود یک هفته به طول انجامید. به شرکت‌کنندگان تأکید شد که اطلاعات آن‌ها محرمانه باقی خواهد ماند و صرفاً برای اهداف پژوهشی استفاده می‌شود.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در بخش آمار توصیفی، از میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمرات استفاده شد. برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و همچنین مقادیر چولگی و کشیدگی استفاده گردید. برای پاسخ به سوالات پژوهش، از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان استفاده شد. قبل از انجام رگرسیون، مفروضه‌های آن شامل نرمال بودن خطاها، عدم همخطی چندگانه) با استفاده از شاخص‌های تورم واریانس VIF و تحمل (Tolerance) و استقلال خطاها (با استفاده از آزمون دوربین-واتسون) بررسی و تأیید شد. سطح معناداری برای همه آزمون‌ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.



یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی: در این پژوهش، ۲۰۰ نفر (۱۰۰ زن و ۱۰۰ مرد) با دامنه سنی ۲۵ تا ۵۵ سال (میانگین = ۳۷/۶۴، انحراف معیار = ۸/۱۵) شرکت داشتند. از نظر تحصیلات، ۴۴ نفر دیپلم (۲۲٪)، ۵۶ نفر فوق دیپلم (۲۸٪)، ۶۸ نفر کارشناسی (۳۴٪)، ۲۴ نفر کارشناسی ارشد (۱۲٪) و ۸ نفر دکتری (۴٪) بودند. مدت ازدواج شرکت‌کنندگان بین ۲ تا ۳۰ سال با میانگین ۱۲/۰۲ سال (انحراف معیار = ۷/۱۴) بود. همچنین، ۳۶ نفر بدون فرزند (۱۸٪)، ۶۸ نفر دارای یک فرزند (۳۴٪)، ۷۲ نفر دارای دو فرزند (۳۶٪) و ۲۴ نفر دارای سه فرزند و بیشتر (۱۲٪) بودند.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر میانگین انحراف معیار چولگی کشیدگی حداقل حداکثر

طلاق عاطفی ۱۲/۴۸ ۶/۶۳ ۰/۳۱ ۰/۷۳ -۰/۲۶

دلبستگی ایمن ۴/۶۵ ۰/۸۹ ۰/۴۵ -۰/۲۳ ۰/۲۳ ۶/۵

دلبستگی اضطرابی ۳/۶۸ ۱/۱۳ ۰/۱۸ ۰/۵۵ -۰/۳۱ ۶/۳

دلبستگی اجتنابی ۳/۵۲ ۱/۰۵ ۰/۲۷ ۰/۴۱ -۰/۱۳ ۶/۲

هوش معنوی ۶۰/۶۲ ۱۳/۴۱ ۰/۱۱ -۰/۳۱ -۰/۳۲ ۸۸

نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و همچنین مقادیر چولگی و کشیدگی (که همگی بین -۲ تا +۲ بودند) نشان داد که توزیع همه متغیرها نرمال است. بنابراین، استفاده از آزمون‌های یافته‌های استنباطی:

پارامتریک مجاز است.

۱. بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی و هوش معنوی با طلاق عاطفی

این افراد خود را مستقل و بی‌نیاز از دیگران می‌بینند و به دیگران (از جمله همسر) اعتماد ندارند. این افراد از صمیمیت و نزدیکی عاطفی گریزانند و ترجیح می‌دهند فاصله خود را با همسر حفظ کنند. آن‌ها در بیان احساسات خود مشکل دارند، به ندرت نیازهای عاطفی خود را ابراز می‌کنند و در مواجهه با تعارضات، تمایل به کناره‌گیری و اجتناب دارند (Sibley & Overall, 2008). فاصله‌گیری عاطفی، به تدریج رابطه زناشویی را سرد و بی‌روح می‌کند و به طلاق عاطفی منجر می‌شود.



از سوی دیگر، رابطه منفی بین سبک دلبستگی ایمن و طلاق عاطفی نشان می‌دهد که افراد با دلبستگی ایمن، به دلیل داشتن مدل فعال مثبت از خود و دیگران، توانایی برقراری و حفظ صمیمیت عاطفی را دارند. آن‌ها می‌توانند نیازهای عاطفی خود را به شیوه‌ای سازگارانه بیان کنند و در مواجهه با تعارضات، از راهبردهای حل مسئله مؤثر استفاده نمایند (کرمی بلداجی و همکاران، ۱۳۹۴). این ویژگی‌ها مانع از بروز طلاق عاطفی می‌شود و به حفظ رضایت و پایداری رابطه کمک می‌کند.

نکته قابل تأمل در یافته‌های پژوهش، قدرت پیش‌بینی‌کنندگی بالاتر دلبستگی اضطرابی ($\beta = 0.43$) در مقایسه با دلبستگی اجتنابی ($\beta = 0.37$) است. این یافته می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که رفتارهای فعال، تنش‌زا و کنترل‌گرانه افراد با دلبستگی اضطرابی، آسیب‌زاتر از انفعال، سردی و کناره‌گیری افراد با دلبستگی اجتنابی است. به عبارت دیگر، "چسبندگی" مضطربانه و واکنش‌های هیجانی شدید ممکن است سریع‌تر از "سردی" و فاصله‌گیری اجتناب‌گرایانه، رابطه را به نقطه جوش و سپس خاموشی و بی‌تفاوتی برساند.

رابطه هوش معنوی با طلاق عاطفی

یافته دیگر پژوهش نشان داد که بین هوش معنوی و طلاق عاطفی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. این یافته با نتایج کریمی‌پورزراع و همکاران (۱۳۹۶)، نریمانی و همکاران (۱۳۹۴)، صدیقی و همکاران (۱۳۹۳) و فینچم و همکاران (Fincham et al., 2011) همخوانی دارد.

برای تبیین این یافته می‌توان به مؤلفه‌های چهارگانه هوش معنوی از دیدگاه کینگ (King, 2008) اشاره کرد. تفکر انتقادی وجودی به افراد کمک می‌کند تا در مواجهه با چالش‌ها و تعارضات زناشویی، دیدگاه وسیع‌تری داشته باشند و مسائل را در چارچوب بزرگ‌تری از زندگی و هستی ببینند. این دیدگاه متعالی، از بزرگ‌نمایی مشکلات و گرفتار شدن در جزئیات منفی جلوگیری می‌کند. تولید معنی شخصی به زوجین توانایی معنا بخشیدن به تجارب روزمره، حتی تجارب ناخوشایند، و کشف هدف و رسالت زندگی را می‌دهد. این توانایی از بروز احساس پوچی، بی‌ارزشی و ناامیدی که از عوامل زمینه‌ساز طلاق عاطفی هستند، جلوگیری می‌کند. آگاهی متعالی با کاهش خودمحوری و افزایش همدلی، نودوستی و درک ارتباط عمیق با دیگران همراه است که در روابط زناشویی به صورت درک متقابل، فداکاری و گذشت ظهور می‌یابد. توسعه حالت هوشیاری نیز به افراد کمک می‌کند تا از روزمرگی، عادت‌وارگی و سطحی‌نگری خارج شوند و به عمق مسائل و لایه‌های زیرین تعاملات پی ببرند.

علاوه بر این، افراد با هوش معنوی بالا معمولاً از سلامت روانی بهتری برخوردارند، استرس را بهتر مدیریت می‌کنند و در مواجهه با مشکلات، از راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌محور و هیجان‌محور سازگارانه استفاده می‌نمایند (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۲؛ Rossen & Kranzler, 2009). این ویژگی‌ها نیز به طور مستقیم و غیرمستقیم از بروز طلاق عاطفی جلوگیری کرده و به حفظ و ارتقای کیفیت رابطه زناشویی کمک می‌کنند.



تحلیل رگرسیون و پیش‌بینی طلاق عاطفی

نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که سبک‌های دلبستگی و هوش معنوی در مجموع قادر به پیش‌بینی ۴۳/۸ درصد از واریانس طلاق عاطفی هستند. این یافته اهمیت توجه همزمان به عوامل بین‌فردی (سبک‌های دلبستگی) و درون‌فردی (هوش معنوی) را در تبیین طلاق عاطفی تأیید می‌کند. به عبارت دیگر، طلاق عاطفی پدیده‌ای چندبعدی است که برای درک و پیش‌بینی آن باید به ابعاد مختلف روان‌شناختی توجه کرد. باقی مانده واریانس (۵۶/۲ درصد) می‌تواند توسط متغیرهای دیگری مانند هوش هیجانی، راهبردهای مقابله‌ای، حمایت اجتماعی، عوامل اقتصادی-اجتماعی و کیفیت تعاملات اولیه با خانواده اصلی تبیین شود که پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده مورد بررسی قرار گیرند.

نتیجه‌گیری کلی

پژوهش حاضر نشان داد که سبک‌های دلبستگی و هوش معنوی نقش مهمی در تبیین طلاق عاطفی زوجین دارند. سبک‌های دلبستگی ناایمن (اضطرابی و اجتنابی) با افزایش طلاق عاطفی و سبک دلبستگی ایمن و هوش معنوی با کاهش آن همراه هستند. این یافته‌ها اهمیت توجه همزمان به عوامل بین‌فردی و درون‌فردی را در برنامه‌های پیشگیرانه و مداخلات درمانی برای زوجین درگیر با طلاق عاطفی نشان می‌دهد.

کاربردهای پژوهش

یافته‌های این پژوهش تلویحات کاربردی مهمی برای مشاوران، روانشناسان و متخصصان حوزه خانواده دارد:

۱. برنامه‌های آموزش پیش از ازدواج: به مشاوران و روانشناسان خانواده پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های (آموزش پیش از ازدواج، به شناسایی سبک‌های دلبستگی زوجین) با استفاده از ابزارهای معتبر مانند (ECR-R) و آموزش مهارت‌های ارتقای هوش معنوی بپردازند. آگاه‌سازی زوجین از نقش دلبستگی در روابط آینده و آموزش راهکارهای شکل‌گیری دلبستگی ایمن می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

۲. مداخلات درمانی برای زوجین درگیر با طلاق عاطفی: در درمان زوجین درگیر با طلاق عاطفی، توجه همزمان به اصلاح سبک‌های دلبستگی ناایمن و ارتقای هوش معنوی می‌تواند مؤثر باشد. رویکردهای درمانی مانند درمان مبتنی بر دلبستگی-Attachment Based Therapy که بر ایجاد بند ایمن بین زوجین تمرکز دارد و درمان معنوی-مذهبی (Spiritual-Religious Therapy) که بر معنا بخشیدن به زندگی و تقویت همدلی و بخشش تأکید می‌کند، می‌توانند در این زمینه مفید واقع شوند.



۳. کارگاه‌های آموزشی برای والدین: برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای والدین در زمینه شیوه‌های فرزندپروری که منجر به شکل‌گیری دلبستگی ایمن در کودکان می‌شود، می‌تواند در درازمدت به کاهش طلاق عاطفی در نسل آینده کمک کند. آگاه‌سازی والدین از اهمیت پاسخگویی مناسب به نیازهای کودک و ایجاد محیطی امن و حمایتگر، از مهمترین راهکارهای پیشگیرانه اولیه است.

۴. تدوین بسته‌های آموزشی هوش معنوی: با توجه به نقش هوش معنوی در کاهش طلاق عاطفی، تدوین بسته‌های آموزشی برای ارتقای مؤلفه‌های هوش معنوی (تفکر انتقادی وجودی، تولید معنی شخصی، آگاهی متعالی و توسعه حالت هوشیاری) و ارائه آن در مراکز مشاوره، فرهنگسراها و شبکه‌های اجتماعی می‌تواند مفید باشد.

۵. غربالگری زوجین در معرض خطر: با استفاده از ابزارهای سنجش سبک‌های دلبستگی و هوش معنوی، می‌توان زوجین در معرض خطر طلاق عاطفی را شناسایی کرد و برنامه‌های پیشگیرانه و حمایتی را برای آنها اجرا نمود. این غربالگری می‌تواند در مراکز مشاوره، دادگاه‌های خانواده و حتی در برنامه‌های سلامت عمومی انجام شود.

محدودیت‌ها و پیشنهادهای پژوهشی

محدودیت‌های پژوهش

۱. روش نمونه‌گیری در دسترس: استفاده از نمونه‌گیری در دسترس، تعمیم‌پذیری نتایج را به کل جامعه محدود می‌کند. بنابراین، در تعمیم نتایج به سایر گروه‌ها و جوامع باید احتیاط کرد.

۲. طرح مقطعی: به دلیل مقطعی بودن پژوهش، نمی‌توان رابطه علی قطعی بین متغیرها اثبات کرد. برای استنتاج علی، نیاز به پژوهش‌های طولی است.

۳. ابزار خودگزارشی: استفاده از پرسشنامه‌های خودگزارشی ممکن است با سوگیری پاسخ‌دهی (مانند تمایل به ارائه تصویر مطلوب از خود یا عدم دقت در پاسخ‌گویی) همراه باشد.

۴. محدودیت مکانی: پژوهش در شهر جهرم انجام شد و ممکن است نتایج در سایر شهرها و فرهنگ‌ها متفاوت باشد.

۵. عدم کنترل برخی متغیرهای مداخله‌گر: متغیرهایی مانند مدت ازدواج، تعداد فرزندان، وضعیت اقتصادی-اجتماعی و سطح تحصیلات ممکن است بر روابط بین متغیرهای اصلی تأثیر بگذارند که در این پژوهش به دلیل محدودیت‌ها، کنترل نشدند.



پیشنهادهای پژوهشی

۱. انجام پژوهش در سایر شهرها و مناطق جغرافیایی ایران و با نمونه‌های بزرگتر و متنوع‌تر برای افزایش تعمیم‌پذیری نتایج .
۲. بررسی نقش متغیرهای میانجی و تعدیل‌گر مانند هوش هیجانی، راهبردهای مقابله‌ای، حمایت اجتماعی، رضایت زناشویی، صمیمیت و کیفیت زندگی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و هوش معنوی با طلاق عاطفی .
۳. انجام پژوهش‌های طولی برای بررسی تغییرات طلاق عاطفی در طول زمان و شناسایی عوامل مؤثر بر این تغییرات .
۴. مقایسه زوجین با طلاق عاطفی بالا و پایین از نظر سبک‌های دلبستگی و هوش معنوی با استفاده از روش‌های کیفی مانند مصاحبه عمیق و گروه‌های کانونی برای دستیابی به درکی عمیق‌تر از پدیده .
۵. انجام پژوهش‌های مداخله‌ای (آزمایشی و نیمه‌آزمایشی) برای بررسی اثربخشی برنامه‌های آموزشی مبتنی بر ارتقای هوش معنوی و اصلاح سبک‌های دلبستگی بر کاهش طلاق عاطفی .
۶. بررسی نقش جنسیت در روابط بین متغیرها؛ آیا رابطه بین سبک‌های دلبستگی و هوش معنوی با طلاق عاطفی در زنان و مردان متفاوت است؟ و آیا تعامل جنسیت با این متغیرها معنادار است؟

منابع

- آزادی، شهرزاد، سهامی، سوسن، قهرمانی، زهرا، و قلی‌پور، گیسو. (۱۳۸۹). ارزیابی عوامل اجتماعی زمینه‌ساز طلاق عاطفی در میان کارکنان زن شرکت بهره‌برداری نفت گچساران. نشریه زن و بهداشت، ۳(۱)، ۱۱۷-۱۰۳ .
- ازازی، سعید. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی خانواده. تهران: روشنگران و مطالعات زنان .
- اجتماعی سنگاری، نیره، و سلیمیان ریزی، مریم. (۱۳۹۳). نقش واسطه‌ای سبک‌های دلبستگی در رابطه با طلاق عاطفی و علائم اضطراب و افسردگی در زنان متأهل. روانشناسی معاصر، ۱(۹)، ۳۳-۲۹ .
- باستانی، سهیلا، گلزاری، محمود، و روشنی، شهناز. (۱۳۹۰). پیامدهای طلاق عاطفی و استراتژی‌های مواجهه با آن. نشریه خانواده پژوهی، ۷(۲۶)، ۲۵۷-۲۴۱ .
- بالبی، جان. (۱۳۸۹). نظریه دلبستگی (ترجمه مسعود محمدی). شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز .
- پورحسین، رضا، و بیدست، فاطمه. (۱۳۹۳). برآورد اعتبار آزمون طلاق عاطفی. ریش روان‌شناسی، ۳(۸)، ۳۸-۲۷ .



پرون، سکینه، داودی، مریم، و محمدی، فاطمه. (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق عاطفی در بین خانواده‌های تهرانی. فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ۱۴(۵۶)، ۱۵۳-۱۲۰.

حکمت‌پور، محبوبه، فدایی، مهناز، و صالحی امیری، سید رضا. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر طلاق عاطفی بر عملکرد خانواده. فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی، ۲۲(۸۱)، ۴۵-۶۲.

رحیمی، نسرین، نوحی، عالییه، و نخعی، احسان. (۱۳۹۲). سلامت معنوی و نگرش به معنویت و مراقبت معنوی در دانشجویان پرستاری و مامایی. نشریه پرستاری ایران، ۸۵(۲۶)، ۵۵-۶۵.

رزاقی، ناهید، و اسلامی، الهه. (۱۳۹۴). مطالعه کیفی علت‌های تعارض در خانواده. نشریه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده، ۱۰(۳۲)، ۵۳-۷۲.

رضایی، مهدی، سلیمانی، محسن، و حسینیان، سیمین. (۱۳۹۲). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس هوش معنوی کینگ در دانشجویان. مجله روانشناسی و دین، ۶(۲)، ۵۳-۶۸.

سازمان ثبت احوال کشور ایران. (۱۴۰۳). شاخص‌های طلاق. بازیابی شده از <https://www.sabteahval.ir>

شکرکن، حسین، خجسته‌مهر، رضا، عطاری، یوسف، حقیقی، جمال، و شهنی ییلاق، منیژه. (۱۳۸۵). بررسی ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی به عنوان پیش‌بین‌های موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی در اهواز. مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳(۱)، ۱-۳۰.

صدیقی، اردشیر، صفریگی، شبنم، محبی، سحر، و شاه‌سیاه، مهناز. (۱۳۹۳). بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با سازگاری زناشویی زوجین. نشریه دین و سلامت، ۱(۲)، ۴۹-۵۶.

علوی لواسانی، امیر سعید، و احمدی طهور سلطانی، مهسا. (۱۳۹۶). همبستگی بدرفتاری در کودکی با طلاق عاطفی: نقش واسطه‌ای سبک‌های دلبستگی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و دشواری در تنظیم هیجان. نشریه مدیریت ارتقای سلامت، ۷(۲)، ۴۸-۶۲.

کرمی بلداجی، رضا، فلاح چای، سید رضا، زارعی، افسانه، و ثابت‌زاده، مریم. (۱۳۹۴). ابعاد دلبستگی بزرگسالان به عنوان پیش‌بینی‌کننده سبک‌های حل تعارض زناشویی. پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری، ۵(۲)، ۵۷-۷۲.

کریمی‌پورزارع، فاطمه، جوکار کمال‌آبادی، مریم، و حسینی، فاطمه سادات. (۱۳۹۶). پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس هوش هیجانی و سلامت معنوی در افراد متأهل شهر بوشهر. پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، ۵(۹)، ۹۳-۱۱۲.



لعل‌زاده کندکلی، الهه، اصغری ابراهیم‌آباد، محمد جواد، و حصارسرخ، رضا. (۱۳۹۴). بررسی نقش طرحواره‌های ناسازگار اولیه در پیش‌بینی طلاق عاطفی. نشریه روانشناسی بالینی، ۷(۲)، ۴۵-۵۹.

موسوی، سعیده، و رحیمی‌نژاد، عاطفه. (۱۳۹۵). مقایسه وضعیت هویت بین فردی در افراد متأهل با توجه به طلاق عاطفی. فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی، ۶(۱)، ۱۱-۲۳.

نریمانی، محمد، موسوی مقدم، سید رضا، اسماعیل‌چنگی، مهدی، و اشرفی حافظ، الهه. (۱۳۹۴). بررسی رابطه سلامت معنوی و رضایت زناشویی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در پرستاران. نشریه پژوهش در دین و سلامت، ۱(۴)، ۴۴-۴۸.

نیلفروشان، پریسا، احمدی، سید احمد، فتحی‌زاده، مریم، عابدی، محمدرضا، و قاسمی، وحید. (۱۳۸۹). بررسی پایایی و ساختار عاملی پرسشنامه تجدیدنظر شده تجارب در روابط نزدیک (ECR-R). فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۶(۲۲)، ۲۵۷-۲۷۲.

یزدانی، عاطفه، حقیقتیان، منصور، و کشاورز، قباد. (۱۳۹۲). تحلیلی بر کیفیت زندگی زنان دچار طلاق عاطفی (مطالعه موردی: شهرکرد). نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۲(۶)، ۱۵۹-۱۸۵.

Bartholomew, Kim, & Horowitz, Leonard M. (1991). Attachment styles among young adults: A test of a four-category model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61(2), 226-244.

Bowlby, John. (1969). *Attachment and loss: Vol. 1. Attachment*. New York: Basic Books.

Brennan, Kelly A., Clark, Catherine L., & Shaver, Phillip R. (1998). Self-report measurement of adult attachment: An integrative overview. In Jeffry A. Simpson & W. Steven Rholes (Eds.), *Attachment theory and close relationships* (pp. 46-76). Guilford Press.

Cann, Arnie, Norman, Marie A., Welbourne, Jennifer L., & Calhoun, Lawrence G. (2008). Attachment styles, conflict styles and humour styles: Interrelationships and associations with relationship satisfaction. *European Journal of Personality*, 22(2), 131-146.

Fincham, Frank D., Ajayi, Catherine, & Beach, Steven R. (2011). Spirituality and marital satisfaction in African American couples. *Psychology of Religion and Spirituality*, 3(4), 259-268.

Fraley, R. Chris, Waller, Niels G., & Brennan, Kelly A. (2000). An item response theory analysis of self-report measures of adult attachment. *Journal of Personality and Social Psychology*, 78(2), 350-365.



Gottman, John M. (1994). What predicts divorce? The relationship between marital processes and marital outcomes. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.

King, David B. (2008). Rethinking claims of spiritual intelligence: A definition, model, and measure (Unpublished master's thesis). Trent University, Peterborough, Ontario, Canada.

Mikulincer, Mario, Dolev, Tamar, & Shaver, Phillip R. (2004). Attachment-related strategies during thought suppression: Irony rebounds and vulnerable self-representations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 87(6), 940-956.

Rossen, Eric, & Kranzler, John H. (2009). Incremental validity of the Mayer-Salovey-Caruso Emotional Intelligence Test Version 2.0 (MSCEIT) after controlling for personality and intelligence. *Journal of Research in Personality*, 43(1), 60-65.

Sibley, Chris G., & Overall, Nickola C. (2008). The boundaries between attachment and personality: Localized versus generalized effects in daily social interaction. *Journal of Research in Personality*, 42(5), 1394-1407.

Tabachnick, Barbara G., & Fidell, Linda S. (2007). Using multivariate statistics (5th ed.). Boston: Pearson Education.